کیهان

چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴ □ ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ □ ۲۷ آگوست ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۹۳۹

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۶، اذان مغرب: ۱۸/۵۷، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۲، اذان صبح(فردا): ۴/۰۵، طلوع آفتاب(فردا): ۵/۳۳

آمریکا در اندیشه اشغال شبه‌جزیره کره!

رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با رئیس‌جمهور کره‌جنوبی، خواستار مالکیت زمین‌های پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور شده است!

«لی‌جائه- میونگ»، رئیس‌جمهور کره‌جنوبی، در نخستین دیدار خود با «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، با درخواست غیرمنتظره‌ای مواجه شده است؛ ترامپ پیشنهاد کرده کره‌جنوبی زمین‌هایی که برای پایگاه‌های نظامی آمریکا اجاره داده، به مالکیت واشنگتن درآید. روزنامه «ساوث‌چاینا مورنینگ‌پست» گزارش کرد که ترامپ ضمن اشاره به سرمایه‌گذاری سنگین آمریکا در ساخت این پایگاه‌ها گفته «می‌خواهم ببینم آیا می‌توانیم اجاره را کنار بگذاریم و مالکیت زمین‌هایی که پایگاه عظیمی روی آن داریم، به دست‌آوریم.» براساس این گزارش، این موضوع در حالی مطرح می‌شود که تعداد ۲۸۵۰۰ نیروی آمریکایی در کره‌جنوبی مستقر هستند و واشنگتن به این بهانه خواستار انعطاف‌پذیری بیشتر است تا بتواند تهدیدات فراتر از شبه‌جزیره کره را مدیریت کند.

رژیم صهیونیستی: از سوریه خارج نخواهیم شد!

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی با صراحت و البته وقاحت اعلام کرد: ارتش این رژیم در جبل‌الشیخ سوریه می‌ماند!

سیاست رژیم آپارتاید اسرائیل سیاستِ اشغالگری است، این‌که به چه بهانه‌ای و در کجا مسئله‌ای ثانویه است! سوریه که سال‌هاست جولانش در اشغال رژیم است، حالا با سقوط دمشق و قدرت گرفتن تروریست‌ها فرصت را مغتنم دیده تا این اشغالگری را بسط دهد و تا نزدیکی دمشق نیز پیش آمده است. «یسرائیل کاتس»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، مدعی شد: «در جبل‌الشیخ و منطقه امنیتی حائل برای محافظت از مرزهایمان در برابر هرگونه تهدید و حمایت از دروزی‌ها و دفاع از ساکنان جولان و الجلیل می‌مانیم.» طبق گزارش «ایسنا» به نقل از «الجزیره»، وی گفت که این رژیم به حمایت از دروزی‌ها ادامه می‌دهد. کاتس در پستی در «ایکس» (توئیتر سابق) ادعا کرد: «ارتش اسرائیل در قله جبل‌الشیخ و در منطقه امنیتی لازم برای محافظت از جوامع ارتفاعات جولان و الجلیل در برابر تهدیدات طرف سوری باقی خواهد ماند.»

نگاه

ژاپن؛ از اشغالگری و اشغال شدن تا استقلال نیم‌بند

امین‌الاسلام تهرانی

امروز ۲۷ اوت برابر با ۵ شهریور سالروز ...

جنگ جهانی دوم از سپتامبر ۱۹۳۹ (شهریور ۱۳۱۸) با حمله آلمان نازی به لهستان آغاز شد و خیلی زود دامنه آن به آسیا و اقیانوس آرام نیز کشیده شد. ژاپن که از دهه ۱۹۳۰ سیاست توسعه‌طلبی در شرق آسیا را دنبال می‌کرد، پیش‌تر با اشغال منچوری (۱۹۳۱ / ۱۳۱۰) و سپس حمله سراسری به چین (۱۹۳۷ / ۱۳۱۶) درگیر جنگی تمام‌عیار شده بود. این کشور با امضای پیمان سه‌جانبه با آلمان و ایتالیا در سال ۱۹۴۰ (۱۳۱۹) به طور رسمی به محور فاشیستی پیوست و با حمله غافلگیرانه به «پرل هاربر» در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ (۱۶ آذر ۱۳۲۰) آمریکا را وارد جنگ کرد. در پی این اقدام، ژاپن قلمرو گسترده‌ای را در اقیانوس آرام و جنوب شرق آسیا به تصرف درآورد، اما از سال ۱۹۴۳ (۱۳۲۲) ورق جنگ به نفع متفقین برگشت. شکست‌های پیاپی در میدوی، گوادال‌کانال و فیلیپین، نابودی توان دریایی و هوایی ژاپن، و در نهایت بمباران اتمی «هیروشیما» در ۶ اوت ۱۹۴۵ (۱۵ مرداد ۱۳۲۴) و «ناکازاکی» در ۹ اوت ۱۹۴۵ (۱۸ مرداد ۱۳۲۴) همراه با ورود ارتش سرخ شوروی به جنگ علیه ژاپن، شرایط تسلیم این کشور و زمینه‌های اشغال آن را فراهم ساخت؛ گرچه خود آمریکایی‌ها نیز گفته‌اند که پیش از حملات هسته‌ای نیز دیگر ژاپن آماده تسلیم بود!

به هر حال، فرایند اشغال ژاپن رسماً در ۲۷ اوت ۱۹۴۵ (۵ شهریور ۱۳۲۴) آغاز شد، زمانی که نخستین واحدهای آمریکایی در فرودگاه آتسوگی نزدیک توکیو مستقر شدند. اندکی بعد در ۳۰ اوت ۱۹۴۵ (۸ شهریور ۱۳۲۴) «ژنرال داگلاس مک‌آرتور»، فرمانده عالی متفقین، وارد ژاپن شد و دو روز بعد، یعنی ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ (۱۰ شهریور ۱۳۲۴)، مراسم رسمی امضای تسلیم ژاپن بر عرشه ناو جنگی «USS Missouri» در خلیج توکیو برگزار گردید. پس از آن اداره کامل کشور به دست ستاد اشغال به رهبری آمریکا افتاد. این اشغال نظامی با خلع سلاح نیروهای ژاپنی، تدوین قانون اساسی جدید (۱۹۴۷ / ۱۳۲۶) و اجرای اصلاحات سیاسی- اقتصادی همراه بود. اشغال رسمی ژاپن تا آوریل ۱۹۵۲ (فروردین ۱۳۳۱) ادامه یافت، زمانی که «معاهده سان‌فرانسیسکو» به اجرا درآمد و ژاپن دوباره استقلال و حاکمیت ملی خود را بازیافت.

هرچند اشغال نظامی ژاپن در آوریل ۱۹۵۲ (فروردین ۱۳۳۱) با اجرای «معاهده سان‌فرانسیسکو» به پایان رسید، اما واقعیت سیاسی نشان می‌دهد که این کشور همچنان در مدار سیطره ایالات متحده قرار داشت. همزمان با پایان اشغال، «معاهده امنیتی آمریکا-ژاپن» منعقد شد که بر اساس آن نیروهای آمریکایی اجازه یافتند پایگاه‌های خود را در خاک ژاپن حفظ کنند و در قبال دفاع از ژاپن، حضور نظامی‌شان را تثبیت نمایند. در دهه‌های بعد این حضور نه تنها کاهش نیافت، بلکه پایگاه‌های اصلی آمریکا در اوکیناوا و مناطق دیگر به مراکز مهم عملیات نظامی آمریکا در آسیا- اقیانوس آرام، به‌ویژه در جنگ کره (۱۹۵۰–۱۹۵۳ / ۱۳۲۹–۱۳۳۲) و جنگ ویتنام (۱۹۶۵–۱۹۷۵ / ۱۳۴۴–۱۳۵۴)، تبدیل شد. از سوی دیگر، قانون اساسی جدید ژاپن با «اصل نهم» خود که حق داشتن ارتش تهاجمی را از این کشور سلب می‌کرد، عملاً امنیت ملی ژاپن را به چتر نظامی آمریکا گره زد. حتی پس از بازگشت اوکیناوا در ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) به حاکمیت ژاپن، ده‌ها هزار سرباز آمریکایی در این جزیره باقی ماندند. بدین ترتیب، با وجود استقلال رسمی، ژاپن در ساختار امنیتی و راهبردی پس از جنگ جهانی دوم عملاً به یکی از متحدان اصلی و البته وابسته به سیاست‌های آمریکا در منطقه بدل شد.

در سال‌های اخیر، جامعه و نخبگان ژاپنی بیش از پیش به پیامدهای منفی «اشغالگری پنهان» آمریکا پی برده‌اند؛ از یک‌سو حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطقی چون اوکیناوا، مشکلات اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی به همراه آورده و اعتراضات گسترده مردمی را برانگیخته، و از سوی دیگر، وابستگی مطلق به چتر دفاعی واشنگتن مانع شکل‌گیری یک سیاست امنیتی مستقل برای ژاپن شده است. با تشدید تهدیدهای امنیتی ناشی از قدرت‌گیری چین، آزمایش‌های موشکی کره شمالی و همچنین تردیدهایی درباره میزان تعهد بلندمدت آمریکا به دفاع از متحدانش، سیاستمداران ژاپنی به این نتیجه رسیده‌اند که باید به بازسازی و تقویت توان نظامی خویش روی آورند. به همین دلیل دولت ژاپن در سال‌های اخیر با تغییرِ سیاست‌های دفاعی، افزایش بودجه نظامی، و گسترش «نیروهای دفاع از خود» عملاً از محدودیت‌های اصل نهم قانون اساسی فاصله گرفته است. ژاپنی‌ها دریافته‌اند که تداوم وابستگی به آمریکا، ضمن تضعیف حاکمیت ملی، آن‌ها را در برابر تحولات ژئوپلیتیکی شکننده کرده و تنها با تقویت بازدارندگی مستقل می‌توانند از منافع بلندمدت کشور پاسداری کنند.

اخراج فرماندهان نظامی آمریکا پس‌لرزه شکست در جنگ ۱۲ روزه

سرویس خارجی-

اخراج و برکناری ژنرال‌های آمریکایی که یا مسئول حملات جنگ ۱۲روزه آمریکا علیه ایران بودند یا از این حملات انتقاد کرده بودند، از جدیدترین پس‌لرزه‌های شکست محور آمریکا- رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲روزه حکایت دارد.

جنگ ۱۲روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را بسیاری از کارشناسان شکست کامل این محور در مقابل جمهوری اسلامی ایران توصیف کرده‌اند. واکنش گسترده و سنگین جمهوری اسلامی به این حملات به‌گونه‌ای بود که رژیم صهیونیستی در روز دوازدهم جنگ برای آتش‌بس التماس می‌کرد. طی نزدیک به ۲ ماهی که از این جنگ می‌گذرد، رسانه‌ها و اندیشکده‌های بسیاری در تحلیل نتایج این جنگ نوشته‌اند: «آمریکا در نابودی تاسیسات هسته‌ای ایران شکست خورد»، «ایران بعد از جنگ ۱۲روزه جان تازه‌ای گرفت»، «پیروز واقعی این جنگ آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران بود». فارین‌پالیسی چندی پیش در تحلیل نتایج این جنگ نوشته بود: «بعد از جنگ ۱۲روزه، مقاومت، دیگر فقط شعار حکومتی نیست؛ بلکه به گفتمانی مشترک در دفاع از کشور تبدیل شده است و مقاومت، دیگر انحصار جمهوری اسلامی و وفادارانش نیست بلکه به فریادی برای دفاع از میهن تبدیل شده است که مرزهای اجتماعی و سیاسی را درنوردیده است». این نشریه نوشته بود: «آن عده از ایرانی‌هایی که پیش‌تر شعارهای رسمی رهبر جمهوری اسلامی، [آیت‌الله] خامنه‌ای، را جدی نمی‌گرفتند، حالا شروع به تکرار همان شعارها کرده‌اند». پس‌لرزه‌های شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲روزه را می‌توان این روزها در برکناری سریالی ژنرال‌های آمریکایی هم دید. رسانه‌های آمریکایی هفته گذشته از برکناری «جفری کروز» ژنرال سه‌ستاره که ریاست «آژانس اطلاعات دفاعی» را برعهده داشت، خبر دادند. یک مقام آمریکایی که خواست نامش فاش نشود، به خبرگزاری رویترز گفت: «پیت هگست» وزیر دفاع آمریکا علاوه‌بر «جفری کروز» دو فرمانده ارشد نیروی دریایی، دریابان «نانسی لاکور» فرمانده ذخیره نیروی دریایی و دریابان «میلتون جیمی سندز» فرمانده عملیات ویژه را نیز بدون توضیح مشخصی از کار برکنار کرده است. رسانه‌های آمریکایی نوشتند، اخراج کروز پس از آن صورت گرفت که یک ارزیابی مقدماتی «آژانس اطلاعات دفاعی» به رسانه‌ها درز کرد. در آن گزارش آمده بود که حملات هوائی آمریکا در ۲۲ ژوئن (یکم تیر) علیه سه مرکز هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، برنامه تهران را تنها چند ماه به عقب انداخته است؛ نتیجه‌ای که با ادعای ترامپ مبنی بر نابودی کامل اهداف در تضاد بود.افشای این گزارش، ترامپ را خشمگین کرد. کاخ‌سفید این ارزیابی فوق‌محرمانه را «کاملاً نادرست» خواند و ترامپ رسانه‌هایی همچون «سی‌ان‌ان» و «نیویورک‌تایمز» که آن را منتشر کردند، «پست‌فطرت» و منتشرکننده «اخبار جعلی» نامید. براساس گزارش رویترز خبر برکناری این مقامات ارشد نظامی، تنها دو روز پس از آن منتشر شد که «تولسی گابارد» مدیر اطلاعات ملی آمریکا اعلام کرد که به دستور ترامپ، مجوزهای امنیتی ۳۷ مقام اطلاعاتی فعلی و سابق لغو شده است.

سردرگمی مقامات آمریکایی

رسانه عربی المیادین هم در گزارشی تصمیم «پیت هگست» وزیر دفاع آمریکا برای برکناری «جفری کروز» رئیس آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا و دریابان «نانسی لاکور» فرمانده ذخیره نیروی دریایی و دریابان «میلتون جیمی سندز» فرمانده عملیات ویژه در یگان دریایی را نشان‌دهنده سردرگمی در نهادهای آمریکایی بعد از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی دانسته و نوشته است: دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا نیاز شدیدی به نشان دادن تصویر پیروزی به همپیمانان خود داشت، به ویژه آنکه با مشکلات داخلی دشوار و انتقادات شدیدی از سیاست خارجی خود مواجه بود. در این شرایط، واشنگتن تصمیم گرفت تا از طریق حملات نظامی با بمب‌افکن‌های B2 در جنگ مداخله مستقیم داشته باشد اما نتایج برعکس پیش‌بینی‌ها بود. این حمله اثرات مطلوب را نداشت و ایران از طریق حمله به پایگاه‌های آمریکایی از جمله پایگاه هوائی العدید در قطر تصمیم به پاسخ گرفت. برنامه هسته‌ای ایران نیز به صورت پایدار این بحران را پشت‌سر گذاشت و در نتیجه وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) و دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور را در رویارویی با بحران تناقض بین واقعیت میدانی و اظهارات تبلیغاتی کاخ‌سفید گذاشت.

طبق گزارش رسانه لبنانی، این تناقض به سرعت در یک بحران داخلی خود را نشان داد و ۲ روایت متناقض آشکار شد؛ روایت ترامپ و کاخ‌سفید که پیروزی بر ایران را تبلیغ کرد و روایت متضاد و مستند به گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا که اشاره کردند حملات آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را تنها چند ماه به تاخیر انداخت. اینها گزارش‌هایی بود که در رسانه‌های آمریکایی منتشر شد و ریاست‌جمهوری آمریکا را در مقابل مردم در تنگنا قرار داد.

به گزارش المیادین، طبق ساده‌ترین قواعد دموکراسی، قرار بود که «جفری کروز» رئیس آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا از تقدیر برخوردار شود نه مجازات. چرا که ماموریت خود را به خوبی انجام داده و دستگاه‌های وی، اطلاعات دقیق درباره موضع مورد حمله در داخل ایران را منتقل کرده بودند. کروز رهبری یک دستگاه اطلاعاتی وابسته به پنتاگون را برعهده دارد که مختص به جمع‌آوری اطلاعات نظامی برای حمایت از نیروهای مسلح در عرصه‌های جنگ است و به «چشم ارتش» شناخته می‌شود و با آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) که یک دستگاه مستقل از وزارت دفاع است و درباره پرونده‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌تر تصمیم می‌گیرد و گزارش‌های خود را مستقیم به رئیس‌جمهور منتقل می‌کند، متفاوت است.

رسانه لبنانی در ادامه نوشت: اما اتفاقی که افتاد این بود که کشوری که میلیاردها دلار خرج می‌کند و به نام «گسترش دموکراسی» جنگ به راه می‌اندازد، در داخل کشور به ابتدائی‌ترین استانداردهای خود پایبند نبود و «رئیس‌جمهور منتخب» آن مانند یک خودکامه قرون وسطایی رفتار کرد و هر مقامی را که جرأت می‌کرد روایت او را زیر سؤال ببرد یا «پیروزی‌های» ادعایی او را کم‌اهمیت جلوه دهد، برکنار کرد. بنابراین، به جای اینکه از کروز به خاطر حرفه‌ای بودنش تجلیل شود، سرنوشت او اخراج به عنوان مجازات پایبندی‌اش به حقیقت بود.

وقتی تهران با گفتمان پیروز می‌شود

به گزارش ایسنا، المیادین نوشته است: پس از حملات، ایران گفتمانی واقع‌بینانه را در پیش گرفت که بعداً ثابت شد به حقیقت نزدیک‌تر بوده است. اصرار ترامپ بر به تصویر کشیدن این حملات که در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ (یکم تیر) انجام شد و نامیدن آنها به عنوان «عملیات چکش نیمه‌شب» به عنوان «یکی از موفق‌ترین عملیات‌های نظامی تاریخ» با واقعیت‌های میدانی در تضاد بود. این گزارش می‌افزاید: اخراج‌های اخیر نشان می‌دهد که واشنگتن نه‌تنها در جبهه نظامی، بلکه در نبرد روایت‌ها نیز شکست خورده است. مشخص شده است که ایران در تثبیت روایت خود و اثبات اعتبارش به افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی موفق بوده است، در حالی که دولت آمریکا در چرخه‌ای از تناقضات داخلی و تلاش برای تحمیل «وفاداری اطلاعاتی» به رئیس‌جمهور به قیمت از دست دادن حرفه‌ای‌گری گرفتار شده است.

المیادین نوشته است: نکته قابل‌توجه این است که حادثه «اخراج کروز» می‌تواند ما را به بحث در مورد توانایی ایران در تثبیت خود به عنوان معتبرترین طرف در رسانه‌ها در طول جنگ ۱۲روزه بازگرداند. در حالی که واشنگتن و تل‌آویو مشغول اغراق در مورد «پیروزی» و پنهان کردن تلفات بودند، رسانه‌های دولتی ایران پوشش دقیق و شفافی ارائه دادند و با حرفه‌ای‌گری خود، بسیاری را شگفت‌زده کردند. این شفافیت نقش محوری در تقویت جبهه داخلی و جلوگیری از افتادن شهروندان ایرانی به دامان پلتفرم‌های خارجی داشت. آنها دریافتند که رسانه‌های کشورشان با آرامش، استواری و شفافیت بی‌سابقه‌ای با جنگ مقابله می‌کنند.

خداحافظی کوریلا از سنتکام

به دنبال برکناری کروز، خبرها از بازنشستگی «مایکل کوریلا» از فرماندهی سنتکام حکایت دارد. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، این است که وی به نوشته فاکس‌نیوز هدایت عملیات‌هایی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و همچنین علیه حوثی‌های یمن را برعهده داشت. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کوریلا جدیدترین قربانی شکست آمریکا در جنگ مقابل مبارزین یمنی در دریای سرخ و جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲روزه است. هزینه‌های سنگین بدون دستاورد مشخص و شکست نسبی، احتمالاً فشار سیاسی بر کاخ‌سفید برای تغییر فرماندهی سنتکام را افزایش داده است. به نوشته فاکس‌نیوز کوریلا که فارغ‌التحصیل آکادمی نظامی آمریکا در وست‌پوینت است، در سال ۲۰۲۲ فرماندهی ستاد مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) را برعهده گرفت و طبق اعلام این فرماندهی، هدایت و اجرای دست‌کم ۱۵ عملیات بزرگ مشترک رزمی را سامان داد. در میان این عملیات‌ها، دو مورد در ماه‌های پایانی فرماندهی او انجام شد: عملیات «سوارکار خشمگین» علیه نیروهای حوثی در یمن، و عملیات «چکش نیمه‌شب» که در ژوئن(تیر) تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داد.

بسیج عمومی در ونزوئلا برای مقابله با حمله احتمالی آمریکا

گزارش‌ها از ونزوئلا از استقبال گسترده مردم از فراخوان مادورو برای بسیج مردمی مقابل لشکرکشی ترامپ به آب‌های ونزوئلا حکایت دارد.

تاریخ مداخلات آمریکا در منطقه آمریکای لاتین قدمتی ۲۰۰ساله دارد این‌بار بهانه ترامپ برای مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه به قاچاق موادمخدر مربوط می‌شود. «تام هومان» ملقب به «تزار مرزی» به عنوان رئیس اداره مهاجرت ترامپ و در راستای سیاست وی مردادماه گذشته هشدار داده بود که «ما قصد داریم کارتل‌های موادمخدر را از روی زمین پاک کنیم». به نوشته راشاتودی این همان وعده‌ای است که «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، در اوایل دهه ۱۹۷۰ داد؛ زمانی که «جنگ علیه موادمخدر» را اعلام کرد. پنج دهه گذشته و آمریکا هنوز مثل جنگ با تروریسم مشغول جنگ با کارتل‌های موادمخدر است و از ریشه‌کنی آنها نیز خبری نیست. اوایل ماه اوت (اوایل مرداد)، نیویورک‌تایمز فاش کرد که ترامپ به طور محرمانه یک فرمان اجرائی امضا کرده است که استفاده از نیروهای مسلح را در مبارزه با کارتل‌های آمریکای لاتین مجاز می‌کند. اقدام آمریکا، زنگ خطر را در منطقه را به صدا درآورد و کشورهای مکزیک، ونزوئلا و کوبا صراحتاً تمایل ترامپ به لشکرکشی به منطقه را به بهانه مبارزه با موادمخدر محکوم کردند.

هفته گذشته رسانه‌ها گزارش داده‌اند که آمریکا با همین ادعا، سه ناوشکن مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده را به آب‌های ونزوئلا ارسال کرده است. یک مقام آمریکایی دیگر که نخواست نامش فاش شود، به رویترز گفت که علاوه‌بر ۴۰۰۰ ملوان و تفنگدار دریایی در منطقه کارائیب جنوبی، چندین هواپیمای جاسوسی P-۸، کشتی‌های جنگی و حداقل یک زیردریایی تهاجمی نیز در منطقه مستقر خواهند شد. این مقام به رویترز گفت که پرسنل و تجهیزات نظامی به مدت چند ماه در حریم هوائی و آب‌های بین‌المللی فعالیت خواهند کرد. این لشکرکشی به آب‌های ونزوئلا در حالی است که تنش‌ها بین آمریکا و ونزوئلا طی ماه‌های اخیر تشدید شده است، دولت دونالد ترامپ، در اوایل ماه گذشته میلادی جایزه خود را برای دستگیری مادورو، به بهانه قاچاق موادمخدر به ۵۰میلیون دلار دو برابر کرد. واشنگتن که دو پیروزی انتخاباتی گذشته مادورو را به رسمیت نمی‌شناسد، وی را به رهبری یک باند قاچاق کوکائین به نام کارتل «د لوس سولز» متهم کرده است دولت ترامپ همچنین ماه گذشته تحریم‌هایی را علیه این گروه و دولت مادورو اعلام کرد.

هجوم مردم برای ثبت‌نام

نیکولاس مادرو رئیس‌جمهور چپگرای ونزوئلا در واکنش به سیاست جنگ‌طلبانه ترامپ، دستور بسیج سراسری را در این کشور صادر و اعلام کرده است ۴٫۵میلیون شبه‌نظامی مسئولیت دفاع از خاک این کشور را در مقابل امپریالیسم آمریکا برعهده خواهند داشت. گزارش‌ها از رسانه‌های ونزوئلا از استقبال گسترده مردم به فراخوان بسیج عمومی مادورو حکایت دارد و مقابل محل‌های ثبت‌نام صف‌های طولانی تشکیل شده است. پایگاه تحلیلی «منا افان» در خبری اعلام کرد: حامیان دولت ونزوئلا در واکنش به دستور اخیر «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهوری این کشور اقدام به ثبت‌نام در نیروهای شبه‌نظامی این کشور کردند که هدف آن بسیج عمومی برای گردآوری ۴میلیون و ۵۰۰هزار نفر نیروی شبه‌نظامی است؛ اقدامی که پس از اعزام شناورهای نظامی ایالات‌متحده به دریای کارائیب صورت گرفت.

به گزارش ایرنا این پایگاه خبری در گزارش خود آورده است: تحرک نظامی آمریکا که به دستور دونالد ترامپ انجام شده است، شامل اعزام سه ناوشکن مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده، یک واحد آبی- خاکی، بیش از ۴هزار و ۵۰۰ نفر پرسنل نیروی دریایی و حدود ۲۲هزار تفنگدار دریایی است؛ موضوعی که نیروی دریایی آمریکا آن را تأیید کرده است. به گفته پنتاگون، افزایش حضور نظامی در منطقه به منظور هدف‌گیری و برچیدن شبکه‌های قاچاق موادمخدر در کارائیب صورت گرفته است. با این حال، این آرایش نظامی در بحبوحه تشدید خصومت‌ها میان آمریکا و ونزوئلا انجام می‌گیرد. پایگاه تحلیلی «منا افان» می‌افزاید: در واکنش به این اقدام، مادورو هفته گذشته دستور فعال‌سازی میلیون‌ها نیروی شبه‌نظامی در سراسر ونزوئلا را صادر کرد. او از مردم خواست در این ثبت‌نام گسترده شرکت کنند و مانورهای دریایی آمریکا را «تحریکی غیرقابل قبول» خواند. مادورو در سخنانی تأکید کرد: «ما از دریاها، آسمان‌ها و سرزمین خود دفاع خواهیم کرد»، عبارتی که به تهدیدهای احتمالی خارجی اشاره داشت.

اظهارات تازه مادورو

مادورو روز سه‌شنبه نیز اعلام کرد ونزوئلا تمامی نیروهای ملی خود را برای تضمین حفاظت از کشور و مردم و پس از تهدیدهای غیرقانونی آمریکا بسیج کرده است. یبه گزارش ایسنا، رئیس‌جمهور ونزوئلا در یک سخنرانی گفت: «تهدیدهای غیرقانونی آمریکا هم علیه کشور و هم علیه تمامی قاره آمریکاست و ما نیروهای خود را برای مقابله با این تهدیدها بسیج کرده‌ایم.» وی افزود: «اکنون قدرت ملت برای محافظت در برابر تهدیدهای غیرقانونی، غیراخلاقی و جنایتکارانه امپراتوری ایالات‌متحده آمریکا علیه جمهوری بولیواری ونزوئلا، علیه آمریکای جنوبی و علیه آمریکای لاتین و کارائیب به طور کلی بسیج شده است.»

رئیس‌جمهور ونزوئلا در ادامه سخنرانی خود در تلویزیون گفت: «حضور گسترده مردم در این فراخوان باعث تقویت سیستم دفاع ملی است که تمامی نیروهای مسلح، پلیس و شبه‌نظامیان بولیواری را به منظور حفاظت فعالانه از صلح و حق حاکمیت ملی بسیج می‌کند و به کار می‌گیرد». رئیس‌جمهور ونزوئلا ادامه داد تمام نیروهای سیاسی کشور، از احزاب رادیکال چپ گرفته تا راست، در روند بسیج داوطلبان مشارکت دارند. عنصر کلیدی قدرت ملی، وحدت مردم، ارتش و پلیس است. رئیس‌جمهور ونزوئلا اعلام کرده است که هدف ترامپ از این لشکرکشی تلاش برای تغییر رژیم در این کشور است و وی هر کاری که لازم باشد برای مقابله با این اقدام انجام خواهد داد. گفتنی است دولت‌های آمریکا در طی ۲ دهه گذشته چندین تلاش ناموفق برای انجام کودتا علیه دولت‌های چپگرای این کشور داشته‌اند.

بیانیه مقاومت عراق در همبستگی با مقاومت یمن

سرویس خارجی-

کتائب حزب‌الله عراق بر همبستگی خود با «ملت آزاده و نیروهای مسلح و شجاع یمن» در پی حمله رژیم صهیونیستی به صنعا تأکید کرد.

وحدت استراتژیک شاخه‌های مختلف مقاومت بر پایه یک هدف مشترک یعنی مقابله با اشغالگری، سلطه‌طلبی و نظام‌های استعماری شکل گرفته است. این وحدت، فراتر از مرزهای جغرافیایی و تعلقات قومی یا مذهبی، بر هم‌افزایی ظرفیت‌های سیاسی، نظامی و رسانه‌ای تکیه دارد تا جبهه‌ای یکپارچه در برابر دشمن مشترک ایجاد کند. هماهنگی در میدان، هم‌سویی در مواضع سیاسی و پشتیبانی متقابل در سطوح مردمی و سازمانی باعث شده است تا مقاومت نه به عنوان حرکت‌های پراکنده، بلکه به‌عنوان یک منظومه منسجم و کارآمد شناخته شود. این انسجام استراتژیک، توان بازدارندگی جبهه مقاومت را تقویت کرده و به آن امکان داده است که با وجود فشارها و تهدیدهای خارجی، همچنان پایدار و اثرگذار باقی بماند. به طور مشخص، در جریان درگیری‌های غزه، شاخه‌های مختلف خارج از فلسطینِ مقاومت با گشودن جبهه شمالی و ایجاد درگیری‌های مرزی، بخشی از توان نظامیِ رژیم اسرائیل را درگیر کردند. جنگ غزه از همان ابتدا عملاً از جغرافیای محدود باریکه فراتر رفته و به یک نبرد منطقه‌ای چندبعدی تبدیل شده است. به گزارش «ایسنا»، کتائب حزب‌الله عراق، روز دوشنبه، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «قدرت‌های استکبار همچنان در پشتیبانی از موجودیت شوم صهیونیستی در جنایاتش در غزه و حتی در کل منطقه هم‌پیمان هستند. آخرین نمونه آن، تجاوز ناجوانمردانه این رژیم علیه یمن عزیز بود که با هدف قراردادن زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله تأسیسات انرژی و خدماتی انجام شد و بر اثر آن، ده‌ها انسان بی‌گناه به شهادت رسیدند یا زخمی شدند، جنایتی تازه که به کارنامه سیاه این رژیم مملو از جنایات جنگی و نسل‌کشی افزوده شد. این بمباران وحشیانه که ملت مقاوم یمن را هدف گرفت، حلقه‌ای طبیعی در زنجیره جنایات صهیونیستی- آمریکایی علیه ملت‌هایی است که با رویکرد وحشیانه این رژیم در قبال کودکان و سالخوردگان غزه مخالفت می‌ورزند، تلاشی که در جهت تحقق اهداف توسعه‌طلبانه و تحمیل سیاست‌های دیکته‌شده صورت می‌گیرد. ما ضمن تأکید بر همبستگی خود با ملت آزاده یمن و نیروهای مسلح شجاع آن، از مواضع قهرمانانه این ملت در قبال مردم فلسطین و مقاومت سرفرازشان قدردانی می‌کنیم.» پیش‌تر نیز جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در بیانیه‌ای خواستار پیوستن کشورها و ملت‌های اسلامی و عربی به یمن در مبارزه با رژیم صهیونیستی شد. حماس در ادامه این تجاوز را تلاشی برای منصرف کردن یمن از یاری ملت مظلوم فلسطین دانست و خواستار موضعی یکپارچه و آشکار از سوی کشورهای عربی و اسلامی در حمایت از یمن و یاری ملت فلسطین در مقابله با وحشی‌گری رژیم صهیونیستی و اهداف استعماری آن به ویژه پس از اعلام قصد سران این رژیم در تشکیل طرح موسوم به «اسرائیل بزرگ» در سرزمین‌های عربی، شد. جنبش حماس در پایان این بیانیه موضع شجاعانه ملت و نیروهای مسلح یمن را ستود و از کشورها و ملت‌های عربی و اسلامی و همه آزادگان جهان خواست تا در مقابله با رژیم صهیونیستی و این مسیر درخشان برای پایان دادن به اشغالگری و آزادسازی مقدسات و همه سرزمین‌های اشغالی عربی به ملت یمن بپیوندند.

افزایش شمار شهدای یمن

وزارت بهداشت یمن نیز، روز دوشنبه، در بیانیه‌ای اعلام کرد در حمله دیروز رژیم صهیونیستی به نیروگاه برق حزیز و ایستگاه نفت در خیابان الستین، ۱۰ نفر به شهادت رسیده و ۹۲ نفر هم مجروح شده‌اند. در ادامه بیانیه آمده است هفت نفر از این مجروحان کودک و سه نفر زن هستند و وضعیت جسمانی ۲۱ نفر از آنها نیز وخیم است. گفتنی است، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی، روز یکشنبه، در تجاوزی جدید علیه یمن اهدافی نظامی در صنعا، پایتخت یمن، را بمباران کردند. ارتش رژیم اشغالگر، در بهانه‌آوری جدید خود، ادعا کرد ارتش یمن از دو نیروگاه برق حزیز و اسار برای اهداف نظامی استفاده می‌کرد.

ترامپ دوباره با چماق «تعرفه» سراغ اروپایی‌ها رفت

سرویس خارجی-

دونالد ترامپ بار دیگر با چماق تعرفه سراغ اروپایی‌ها رفته و تهدید کرده است کشورهایی را که قانون مالیات و مقررات آنها شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکا را هدف قرار می‌دهند ،مشمول تعرفه خواهد کرد.

عقب‌نشینی در مقابل ترامپ فایده ندارد. او همه را تسلیم و مطیع می‌خواهد. طی ۸ ماه گذشته او با چماق «تحریم و تعرفه» تلاش کرده همه جهان را مطیع خود سازد! این ماهیت استکبار است. برای مستکبر دوست و دشمن فرقی ندارد و در این میان دوستان واشنگتن در اروپا و آسیا نیز مشمول این سیاست باج‌گیری بوده‌اند. ترامپ حتی پس از توافق تعرفه‌ای با چین، دوباره این کشور را تهدید کرده در صورتی که پکن آهن‌رباهای موردنیاز آمریکا را تأمین نکند، تعرفه‌ای ۲۰۰درصدی «یا چیزی شبیه به آن» بر واردات این کشور تحمیل خواهد کرد. ترامپ گفته است: «آهن‌رباها را باید به ما بدهند. اگر آهن‌ربا ندهند، مجبوریم تعرفه‌ای ۲۰۰درصدی یا چیزی شبیه آن وضع کنیم.» در مورد اروپا هم سیاست باج‌گیری ترامپ تمامی ندارد. ماه گذشته سرانجام اروپا در جنگ تجاری مقابل ترامپ عقب نشست و به توافقی تن داد که بسیاری از کارشناسان اعلام کردند از سر ناچاری بوده و اروپا برای جلوگیری از بروز ف